

حقیقت

شماره ۱۵۲ ۱۶ دی ۱۳۶۰

اخبار

نکته‌ای کوتاه و بدون تفسیر

استقلال اقتصادی . رل نفوسا - رسم ولایت

جلد ۱۰

رودرروئی مستقیم رژیم ولایت فقیه با طبقه کارگر اجتناب ناپذیر است!

(با ددالشتی برپا مدهای اعتمایات اخیر کارگری و وظایف کمونیستیها)

<p>کارگران، اخراج موقت و در شرایط امروزی جامعه است. دانش کارگران و باج گیری از طبقه کارگر بروز نموده (و ادامه) اولیه برای جمهوریگرومن سرکوب مقاومت و اعتراضات دهقانان برنج کارشمال به کارگری که بویژه زغداد است - فروش برنج به دولت، فادریه اعمال بصورت همه جا شده ازجا - سرکوب مقاومت برنج کاران در تب رژیم مستبد خمینی اعماق شده است. ولی در اعتمایات و مبارزات اخیر کارگری و بویژه در اعتمایات پیش از ۱۵ هزار نفری کارگران ایران ناسیونال، رژیم به مقابله روزه روزی مستقیم با کارگزاران سرکوب و این عدم مقابله با نهضت کارگری نه بمناسبتی تفسیری در سیاست رژیم، که بخاطر عدم توانایی و با ددالشتی</p>	<p>انقلابی چه باید بکنند؟ ما در حقیقت شماره ۱۵۰ با درس گیری از واقع کمونیستی جامعه و اعتمایات اخیر کارگری سیاست عمومی رژیم ولایت فقیه را در قبایل طبقه کارگر در شرایط کنونی مپا روزه، طبقاتی جاری در جامعه بررسی و تحلیل گسیل نمودیم. نوشتیم که سیاست حکومت در فعال طبقه کارگر (که البته محدود به طبقه کارگر نبوده و شامل تمامی اقشار و طبقات خلقی جامعه مان می شود) عبارتست از انتقال بحران اقتصادی بر دوش طبقه کارگر (که تا بطلان به شکل اساسی قطع بخشی از حقوق جنبشی</p>	<p>موج اعتمایات کارگری در یک ماه و اندکی اخیر، که در مقاله مستقیم با سیاست سد کارگری رژیم ولایت فقیه در انتقال بحران اقتصادی جامعه بر دوش طبقه کارگر صورت گرفت، با عدم سرکوب مستقیم این اعتمایات و اعتراضات از جانب رژیم مستبد و خیانت پیشه مواجسه گشت. در نتیجه شوالی برای طبقه کارگر، بیشتر روان آن و نیروهای انقلابی و کمونیست مطرح میشود که آیا سیاست رژیم در فعال جنبش کارگری تفسیر کرده است یا نه؟ و در نتیجه کمونیست ها و نیروهای</p>
--	---	--

لهستان : آغاز پایان کار سوسیال امپریالیسم

(با ددالشتی درباره درسیهای وقایع اخیر)

جدال میان حکومت نظامی سوسیال فاشیستی لهستان با کارگران و ملت لهستان ادامه دارد. در ۱۰ ماه مقاومت کارگران لهستان در برابر حکومت نظامی به اشکال مختلف از صبح روزه مسلحانه و اعتمایات سیاسی و تحصن ها گرفته تا اشکالی با شمشیر مبارزه از قبیل کم کاری و مقاومت منفی و بلاخره فرار از کشور هر روز به توسط خبرگزاریها مخابره میشود و هر روز که میگذرد آشکار میشود که زشال های سوسیالیسم تقلبی در لهستان در آینده با دشواریهای فراوانتر اقتصادی و سیاسی دست گریبان خواهند بود. هم اکنون در بسیاری از صحنه های زندگی در لهستان عملیات مفتضح و آژان های حکومت نظامی به رسمار

پن بست کنونی جنگ ایران و عراق و منافعی که هیئت حاکمه در پی آنست

پروانصام رسمی بلندیهای جولان توسط حکومت تجا و زکر و ملطه طلب اسرائیل جنب و جوشی در میان کشورهای عربی برای رفع اختلافات شکل گرفت تا بتوانند صفوف کشورهای عربی را در برابر اسرائیل متحد نماید. حافظ ابدرشین جمهوری سوریه در این میان دست بالا را گرفت و با سفرهای بی دریغی خود به کشورهای عربی بویژه کشورهای حوزه خلیج فارس کوشید با رفع اختلافات میان این کشورها حبه متحده را برای دفاع از منافع خود در برابر اسرائیل بوجود آورد. حکومت لیبی که مدت ها بود با سعودیها و عراقیها سازگاری و حکا داشت، در چنین شرایطی با کسب آمدن از مواج گذشته خود سرقراری روابط عبادتی و

بفصل از صفحه اول

پن بست جنگ ۵۵۵۵

دقیقاً نیک با رزترین نمونه این حرکت برای رفع مواضع موجود برای اتحاد کشورهای عربی در برابر اسرائیل را نشان داد. با سدر حین سفر خود به کشورهای کویت و امارات متحده عربی و پس از لزوم خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق سخن راندند تا پشت جنبه خود را از حالت جنگ و اختلاف خارج نماید. بلافاصله بدنبال چنین حرکتی تمامی مطبوعات و رسانه های غربی از کوشش های سوریه و کویت برای رفع اختلاف میان ایران و عراق و امکان آنها بمان گرفتن جنگ تجار و زکاران عراق علیه ایران سخن برداشتند.

هر چند که چنین کوشش هایی از نظر کشورهای چون سوریه و... طبیعی و منطقی بنظر می رسند، لیکن با توجه به ماهیت ارتجاعی و وابستگی های کشورهای عربی به ابرقدرت ها امکان ایجاد چنین جنبه ای که بتواند متحدانه در برابر اسرائیل با ایستد، ناممکن بنظر می رسد. نه حکومت سوریه دارای ماهیت شرقی است و نه ماهیت ارتجاعی دولت عربی حوزه خلیج فارس و یوزده حکومت سعودی بر مردمنا روشن است و وابستگی های سوریه به بلوک شوروی و نه وابستگی های عمیق عربستان به بلوک آمریکا قابل انکار. حملات گستاخانه و اعلام انضمام بلندیهای جولان توسط اسرائیل غایب نیز در ماهیت این کشورها تغییریری نمیدهد. آنچه که روشن است اسرائیل از موقعیت مناسبی در سطح بین المللی (بحران دو ابر قدرت بر سر مسئله لهستان) و در سطح جاری میان (اختلافات شدید میان دولت عربی و نیز جنگ میان ایران و عراق) سوء استفاده کرده و امکان در بر سر بهره برداری های بیشتری از این موقعیت برای گسترش مناطق تحت سلطه و نفوذ خود خواهد بود. بنابراین آینده نیز در میان محافل آمریکایی و اسرائیلی رایج باشد که بدنبال شکست موقتی طرح فهد، تحت فشار قرار دادن کشورهای عربی خط مقدم جنگ، یوزده سوریه، آنها تا چاره از قبول طرح فهد و سازش با اسرائیل گردند. لیکن آنچه در عمل اتفاق افتاده است پوشش خوبی آمد مستقیم تجار و انکار را امپریالیستی و الحاق کرانه اسرائیل میباشد خصوصاً با تشدید مواضع سازش ناپذیری در مغرب اعراب و احتمال قوی یک جنگ وسیع با اسرائیل است.

بیرونی و شرایط خاصی که در منطقه بوجود آمده، نمیتوانست در خدمت خاتمه دادن به جنگ میان ایران و عراق با حیرت آوردن شافع ایران و قبول شکست و عقب نشینی نیروهای متجاوز عراقی از سرزمین ما قرار گیرد. موقعیت مناسبی بود تا با کوشش های سیاسی دستکم متعارف، عراق مجبوره عقب نشینی از مواضع تجار و زکاران به خودگشته و عملاً دچار شکست گردد. حافظ اسد در چنین شرایطی گفته است که "این جنگ ارتش عربی را در عراق از دست ما گرفت، نیروی عظیم انقلاب ایران را ضعیف کرد" (اطلاعات اول دی ماه ۶۵).

ظا هر قبحه اینست که هم رژیم گستاخ مدام نه قادر به ادامه جنگ ۱۵ ماهه سحار و زکارانه خود میباشد و نه رژیم ایران با اتحادیست ارتجاعی (اعمال استبداد و جلوگیری از شکست

سروهای وطن سرست در دفاع از منهن در شمال که حکم مبهسی و نلانی در سرکوسی و ایضا در حلقان در داخل، ما در در مع حصار و میباشد. چه از نقطه نظر امنی و چه از نظر سیاسی و ضمیت موی العاده بحرانی و خطرناکی مواجه شده اند. وجه از نقطه نظر نظامی امکان پیروزی قطعی یکی برد دیگری موجود نیست. "پیروزیهای" احسار ادعاشی از سوی رژیم جمهوری اسلامی بیشتر برای بر کردن سوی کرناهی کیلیفاتی است و هر چند ممکن است ایضا و آنجا دستگیران وردها طی داشته باشد، لیکن در مجموع ۱۵ ماهه اخیر پیروزی قابل توجه و با نقطه عطف جدیدی بنام رزمیروند، چه در زمان بنی صدر نیز از این نوع پیروزیها وجود داشته و ولی برغم داد و قالیهای حکام جبار کتونی مبنی بر "تشیخت" و کش دادن پیروزیهای جنگ از سوی بنی صدر، خود نیز به تشنه نتوانسته اند تا اساسی از پیش ببرند، بلکه در مانندی های گذشته را نیز تشنه دیده اند. در چنین شرایطی که امکان بهره برداری برای ما نیست، دادن به جنگ زیاد شده بود، حتی خود ما منهای نیز اعلام کرده است: "حکا مکتبا و ز عراق بجای آیین که پیروزیهای خود را بر سر مبارزه با اسرائیل میکنند، نیروهای عظیم جمهوری اسلامی را که عظیم مبارزه با اسرائیل تا اعماق آنها ریشه دار و مطلق خود کرده اند و امروز این جریبه مغایر پیروزی دوشی حکا مواجسته پیدا است" و با درجای دیگر میگوید: "... دوا رتشی بزرگ و ارتش جهیز و نیرو مند را در مقابل هم قرار میدهند و دولت را با این جریبه خسارت اسیر جنگ تحمیلی میکنند." و نتیجه هم میگردد که: "جای شکستی نیست که اسرائیل هم از برت استاده کند" (۹ عیضا ۶۵). بررسی مواضع حکا مولایت فقیهه جانب توجه میباشد.

بهر حال پیرویشنها ذات حافظ ایده مبنی بر مواجسته جنگ، گوئی که حکا جمهوری اسلامی، فا فلک گرفته باشد، هر یک جنبه جدا گانه ای برداشتند. رفسنجانی اعلام کرد که "اگر لازم باشد وارد خاک عراق خواهیم شد" (۶ دیماه ۶۵) و مکتبی از تشکیل ولایت فقیه در عراق سخن برداشت و نحوه "عاقله" خاتمه دادن به جنگ را قبول رهبری خمینی از سوی مردم عراق توصیف کرد. دیگران نیز در همین برهه سخن های پیروزیهای برانگیزه کردند. برخی دیگر بطور تلویحی از لزوم ایجاد جنبه واحد علیه اسرائیل دم زدند ولیکن همگان از ابراز موضعی قاطع و صریح اجتناب کردند. تا اینکه آقای ولایتی بعنوان وزیر امور خارجه مکتبی برای مذاکره با ابد ما زب میگردیدند. جانب توجه اینکه در میتوسا و مجامع های قبل از اینر آقای ولایتی ابراز داشت که موضوع جنگ میان ایران و عراق پیش کوچکی از مسائل چور مذاکره با استوار در برهه دیگریست و اینکه علت اصلی خطرناک اسرائیل پشتیبانی از کشور برادر سوریه در برابر آنها و از اسرائیل میباشد. البته حتی کودکان مغربی هم پیوسته که در چنین شرایطی برای اعلام موضع کردن خاصی که ما نیز در یک از زبان حکام جمهوری اسلامی مفت و مجانی بیرون میروند از سوی مکتبی نیست. حتی بعد از این سفر هم در مجامع مطبوعاتی در فرودگاه مهرآباد اعلام کرد که ما حافظ ایستد و ساعت مذاکره داشته است و املاً مسئله جنگ میان ایران و عراق به پیش نیامد (۱) و در دستور جلسه قرار داشت (۱). ممکن است با ورگردنی نشاند لیکن آقای ولایتی ابراز دارد که ملت ایران قبول کند که ایشان بعد از ساعت آنهم فقط در یکی از جلسات مذاکره خود، مشغول اعلام مواضع پشتیبانی خود برای حافظ استبداده است! در مجموع میتوان گفت که بن بست کتونی این جنگ ناشی از ماهیت ارتجاعی و بی تپاشی رژیم جمهوری

پنجاه و هفتم
 لهستان

وفادار نیستند در فردای پیروزی ما صد آیت اله خمینی است
 آنچنان که در ایران مشاهده کرده ایم، بالاخره در پشت نهضت
 خنجر فرو خواهند کرد.

* * *

یکی از خصوصیات انواع و اقسام رویزیونسم با ارتداد
 از مارکسیسم نفی نقش طبقه کارگر در انقلابات این عصر و
 بخصوص نفی توان منحصر بفرد این طبقه برای رهبری و هدایت
 جامعه در راه سوسیالیسم و کمونیسم است. رویزیونست ها همواره
 در حرف از اهمیت طبقه کارگر سخن میگویند اما در عین حال
 همیشه میگویند بنا به هر سه نای طبقه کارگر با دلایل مختلف
 از انجام رسالت تاریخی اش باز دارند. در ایران رسالت
 رهبری ملت در کسب دموکراسی و استقلال از جانب حزب سوده و
 سرکار به آقای خمینی و پیروان خط او سپرده میشود و طبقه کارگر
 ایران موظف میگردد که به چرخ پنجم را به ای تبدیل شود که این
 حضرات سیوار بر آن جامعه ما را بسوی پرتگاه و ورشکستگی و انحطاط
 گام می گشایند و اگر آقایان رویزیونست های پیرو خط
 استبداد سیرمی که چرا چنین است جواب میزنوی کد در ترا بسط
 خایی تا ریخی ایران رسالت رهبری سردوش اما خمینی ایشانده
 است و ایشان هستند که با بدالخته در اتحاد با حکام مسکورا معه ما
 را بسوی آینده "آباد و آسودگان" هدایت کنند. سؤال
 چینی که پیش آنهم سخن درباره اهمیت و لزوم رهبری طبقه
 کارگر چه شد و جواب میزنوی که در شرایط خاص ایران مسئله
 به گونه ای خاص مطرح است و در این وضعیت فعلا رهبری طبقه
 کارگر ما آینده است! و این تنها در ایران نیست که رویزیونست
 بسبب ها در همه جای دنیا از این حرفها میزنند و تا زه سخن بر سر
 رویزیونست های روسی و پیروان آنها هم نیست بلکه اگر در
 گفتار رویزیونست های نوع سوسیال دموکراسی اروپا یا نوع
 جدید یعنی یا نوع کمونیسم اروپا شی و غیره و غیره هم وقت کنسی
 بنا ز این مسئله یعنی نفی نقش و توان طبقه کارگر از میان
 کلیات قضای موضوع میتوان دید.

اما تاریخ نهفت کارگری جهان و تجربه انقلابات جهان
 همه حاکی از این هستند که طبقه کارگر تنها طبقه تا به آخر انقلابی
 است و این واقعیت که کارگران با ابزارهای تولید کارخانه ای
 و در محیط کارخانه همچون بولاد برای مبارزه و رهبری آینده
 میشوند درسی است که ما کمونیستینسم واقعی از اینهمه
 تبار بگریفته است. طبقه کارگر بدلیل آنکه جز نیروی بسا روی
 خود سرمایه ای ندارد جز زنجیرهایی که در کارخانه های سرمایه
 داری این نیرو را برای استفاده سرمایه داران (جد از نوع
 خصوصی و چه از نوع دولتی اش) به سار ت کشیده است چیزی
 برای از دست دادن ندارد و بخاطر زمان یافته در تولید
 بزرگ و همبسته صنعتی بطور طبیعی آماده "همستگی" در سرود
 برای آینده ای هستند که در آن از استعمار اثری نباشد.
 نموده نهضت کارگری لهستان و همبستگی کارگران
 لهستانی در مبارزه، اگر یک درس بزرگ داشته باشد همین است
 که طبقه کارگر در جهان کنونی سنانه نیروی رهبری گذشته

یک انقلاب بطور عمسی به ما سر کدا سداست. اراس نظر حوس
 لهستان بخودی خود افتنا گراننده های روبریونست هاست که
 میگویند تا این رسالت را نفی کنند. اما برای روبریونست ها
 رویدادهای لهستان حای تا سفیضتری دارد چرا که به تنها در
 لهستان طبقه کارگر به میدان آمده و رهبری را بدست گرفته است
 بلکه در این بمیدان آمدن طبقه کارگر لهستان به مصاف با دولت
 این آقایان بر حاسته است یعنی به مصاف با دولتی برخاسته
 است که ادعای رهبری طبقه کارگر را بر مبنای اندیشه هسائی
 رویزیونستی داراست! بیداست که در چنین وضعیتی چگونه
 امثال کیانوری در سراسر جهان فائیه را با خنجر نادر چون قافیه
 تنگ آمده است به جفتگ گوئی پرداخته اند.

اخیرا آقای کیانوری در مقاله ای که بنا مصا هبسه و
 "پیش و پاخ" منتشر شده است گمراهی طبقه کارگر لهستان را
 علت رویدادهای این کشور دانسته و به این ترتیب فاجعه
 رویزیونسم در نفی رسالت طبقه کارگر را به یک بتمکمه جدیدت
 آشکارا طبقه کارگر در زیر لای ایدئولوژی طبقه کارگر تکامل
 داده است. آقای کیانوری بصفتقدایت که در لهستان که طبقه
 کارگر آشکارا به میدان مبارزه سیاسی وارد میشود این طبقه
 گمراه شده است چرا که اگر گمراه نشده بود به حکومت کرنش میکرد و
 سرش را پاشین می انداخت و بکارش مشغول میشد. آخر طبقه
 کارگر به مفهوم مورد علاقه آقای کیانوری در ایران ما بسند در
 مقابل رژیم خمینی سرش را پاشین بیاندازد و بکارش سرگرم
 با شادونا برهیزی هائی را از قبیل اهتمام بسا رزه و انقلاب را
 به خاطرش منظورند چه برسد به لهستان که ملک طلق آریا بسا
 مسکوت و در آنجا که دیگر مدبا رهبریش از این با بد طبقه کارگر
 تسلیم امیال آریا با ن کیانوری گردد. آقای کیانوری
 نمیتواند با ور کند که حتی در ایران طبقه کارگر در برابر حکومت
 با ج و طلاق با بستد آنوقت چگونه میتواند بدیدد که در لهستان
 این طبقه به سر دنا حکومتی بر خیزد که نوع سوده روی سرمایه
 دارانش دقیقاً همان نوعی است که گمراهی عمر خود را در راه
 تحقق آن سرمایه گذاری کرده است. آقای کیانوری درست جدی
 زده است. طبقه کارگر لهستان گمراه شده است اما این گمراه شدن
 از نوعی است که هر چند بیکبار و متا ریخ جهان کارگران کشورهای
 مختلف به آن دچار شده اند این گمراه شدن از نوعی است که
 تا ریخ جنبش کارگری در شرح آن نوشته شده و این گمراه شدن
 همان گمراه شدنی است که با هیت واقعی را و کما خوری هادر نتیجه
 آن پیدا خواهد شد و بنگ و نفرت ابدی کارگری را برای امثال
 او و آریا باش به ر بجان خواهد آورد.

* * *

رویدادهای لهستان موضوع نظر میدهد که آنچه بر لهستان
 و کشورهای اردوی سوسیالیست و امپریالیسم روس حاکم است سوسیالیسم
 نیست و شدیداً ضد کارگری میباشد. مدتها پیش ما نوشتیم که این
 امپریالیسم و سرمایه داری سوسیالیسم نشان بر زلف ما بندد دامنی
 خروسی نشان که هیچ ربطی به خروس ندارد و کوچکترین ارتباطی
 آنچه که سوسیالیسم واقعی و حکومت کارگری برای ما بسود
 استخما راست ندارد. این سوسیالیسم دروغین در حقیقت نوعی
 سرمایه داری دولتی است که با تکیه بر اصل سودآوری در سرمایه
 ریزی اقتصادی نیروی کار طبقه کارگر را در خدمت منافع منشی
 سرمایه داران در راه دولت و مدیریت استقامت دو مقامات بسا
 حرب و ارتش کشورهای اردوگاه "شرق" حاکمند است شمار میکند
 امروزه مسلیون کارگر لهستانی با ایستادن در برابر این
 سوسیالیسم دروغین شاهدیا ز این جریان هستند. سفیه در

اجبار

نشد بهیچون شک با یا فرض استماع محدود خودت چنان که در نیمه دوم سال ۵۷ نشان دادند، با طرفه حال رذل و فرومایه ولایت فقیه و همدستان رذل تویشان بعضی شده است و اکثریتی ما که در لباس طرفداری از سوسیالیسم و طبقه کارگر است، دستکم شوک و حسرت کا رگران را سبب زلزله کرده و شرایطی را بر خود آوردند که بسا بیورش های اولیه را تاج از هم بیگند، جواب تمام این زورگویی ها و حق کفشی ها را خواهند داد، چنان که بدست اینان، محمد رضا شاه و هموم دادند.

بختی قهقرا را در روستای ها رگان در حوالی چغابان بهیچون شک فراوان و شکایات متعدد از اوایل انقلاب موشفق میخوانند چنانچه برای دستگیری فتوای معروف مصطفی بهیچون شک است. بهیچون شک و رند. کوهستانی که نفوذش مرسوم است اما دهه بود و بقول دهقانان سر بازان مصلح داشت افراد سپاه را دستگیر و در طویل زندانی میکند. سپاه با اقدام مجسده او را دستگیر و به زندان می اندازد، بعد از چندی دادگاه سپاه بر "غیر اما مدخله" تصمیم به آزادی او میگیرد و این خبر بر دست سپاه میرسد. دهقانان که تعدادشان حدود یکصد نفر بود با چندوا نعمت در تاریخ شهریور ۶۸ آزادی جاری به جلوی دادسرای مشهد آمدند و سپاه اعتراضی برای ادای شهادت بست می نشینند، به گفته یکی از دهقانان، کوهستانی قهقرا از انقلاب یک دهقان پیر از نسله زنده چال کرده بود. دهقانان از دادسرا جواب می دادند که رفتند و با نا اطمینان از اوضاع احوال کنون زمینها جنبش مسلحانه آسانه گشته است.

در شیراز و ما یکی از صبا رزین بنا م منصوره دهقان (هوادار چیکار) در اهواز بیست جلادان رژیم ولایت فقیه تیرباران شد. بجز از برای حکم ازیدرین شفا ضای ۳ هزار تومان پول و بیست دسته گلی میکنند. پدران دردمند به گمان اینکه پادشاهان قصد آزاد کردن پسرش را دارند با دلی پیرا میدیول و دسته گل را بسته ها دادگاه انقلاب اسلامی اهواز میبرد. در آنجا بجای پسرش، برگه ای به دستش میدهند و میگویند "جسد پسر را از مردخانه تحویل بگیر و برضنا اجازه برگزاری مراسم سوگواری را هم ندهاوی". این است بهره پسران پادشاهان جلادان سادست. این جانوران بسا تیرباران جوانان عزیز این مرز و بوم نظیر خونخوار پیمان ارفا، ضمیر کرده، پیمان پیرا، با این حقه های گشاده حفر حیوانی میگردند، ضمنی و پسران اسلام او گمان نکنند که از شفا غضب و کین جوانان و پسران جوانان تیرباران شده جان سالم بهیچون شک برود!

در تبریز جان رژیم جلاد ضمینی یکی از انقلابیون هوادار ما زمان دهها نفرین بنا مرثیسی را اعدام میکنند و از طرف سپاه بهیچون شک او گفته میشود که حق برگزاری مجلسی ضمنی ندارند و دلی طبرغم این اخطار را عفا خواهد شد همراه با عده کثیری از اهالی تبریز جان با ضمیر و کین انقلابی و با شاعرهای "غریب از ظلم بزیه" و شاعرهای انقلابی "شهید راهت ادا عده راه" در گورستان دست به تظاهرات میزنند و طبرغم مخالفت با پادشاهان، شهیدان میرده را در گورستان اصلی شهردان میکنند و این در حالی بود که بهیچون شک با جوانان او صدقه در آید بهیچون شک پادشاهان خسته و جرحست هر گوشه حرکتی از آنان سلب شده بود.

در کارخانه بریجستون شیراز
حقیقت های گذشته تا حد بسیار زیاد که رگران بر علیه طرح استثنای دولت بودیم. قطعاً از این قرار بود که طرحی بنا مطرح میگردید. ما با آن طرفداران را که ربه مدبر کارخانه با بلاغ میگردید. مدبر کارخانه این طرح را با طرحی دیگر که به وسیله مسودش و هیئت مدیره تنظیم میگردید به قسمت های کارخانه بلاغ میکنند. گفته است که رگران رو برو میگردید و همگی کارگران قسمت های مخصوص قسمت تولید و پخت این طرح را فدای گری خوانند و نوارده میکنند. کارگران میگویند این طرح دست طرح های زمان شاه و از پشت بسته است. جوین طرح از این قرار است که طرح مسودش و پیرا و پیرا، در هر ماه مقداری پول به حقوق کارگران اضافه میزد (از دستومان تاجا و زنیکنند). این طرح با طرحی که به وسیله هیئت مدیره کارخانه تصویب میگردید طرح کارخانه ای بود و برای این بود که زیر به کارگران نمره داده میشود که نسبت به آن دستبند میگردید.

- ۱ - کارآیی، خلایقیت، کارآیی، کیفیت کار و طول زمان انجام وظیفه (۶ - ۱۲ - ۱۸ - ۲۲) %۲۲
- ۲ - وقت شناسی و حضور و غیاب (۶ - ۱۲ - ۱۸ - ۲۲) %۲۲
- ۳ - رعایت مقررات ایمنی و بهداشت (۲ - ۶ - ۹ - ۱۲) %۱۲
- ۴ - قابلیت تطبیق، همکاری، علاقمندی به آموزش و تبحر و مسئولیت و قدرت اخذ تصمیم (۳ - ۷ - ۹ - ۱۲) %۱۲
- ۵ - کوشش در تحلییل مایعات و صرفه جویی در مواد (۲ - ۷ - ۹) %۱۲
- ۶ - حفظ و نگهداری ماشین آلات و ابزار کار (۴ - ۷ - ۹ - ۱۰) %۱۰
- ۷ - رعایت مقررات شرکت (۳ - ۳ - ۴ - ۶) %۴
- ۸ - شایستگی و الی آخر.

مشورین فکر میگردند که با گشتن اینکه این طرح از طرف دولت آمده و هر کسی که این طرح را قبول ندارد با دولت و مسام در آنجا داده و... میتوانند کارگران را مجبور به قبول این طرح کنند و دلی تا بحال از طرف کارگران مقاومت نشان داده شده است.

تا زگیها و زیر نفست مادهای را به اجراء آورده که بر طبق آن اگر کارگری در حین کار دچار حادثه ای بشود و جان خود را از دست بدهد یا دچار نقص عضو گردد، هیچگونه مزایایی به خود و خانواده اش تعلق نمیگیرد. این موضوع باعث شده که کارگران شیفت شب به لاینگا شیراز کمتر کار کنند (کم کار) چون در شب بدست خواب آلودگی امکان اشتباه و در نتیجه صدماتی که کارگران بیشتر است، به علاوه کارگرانی که برای اندازه گیری نفس است و بنزین و غیره با پدالی تا تنگهای عظیم میروند، به حالت بوسیدگی سر تا تنگها و احتمال سقوط در آنها، کمتر میگردند به این کسار میگذشتند و اغلب اوقات اندازه گیری را که میدهند از خودشان در میآورند. این کم کاری و عدم دلسوزی کارگران و کارمندان ما لاینگا شیراز عکس العمل اولیه و مقدمه ای است از آن در برابر زورگوییها و قلدریهای عمال حکومت ولایت فقیه! بیت کارگران

اما از سوی دیگر بلندگوهای امپریالیستی چه نوع میگویند (که مناصفان معلوم است) وجه تسمیه و انگیزش اصرار دارند که سیاست نظام حاکم بر لیستان را سوسیالیستی بنامند و بر مردم جهان این صفت را ضرور هم که شده عرضه کنند. لیکن سکو و بیروانش واضح است تا اگر چه در بر تئوری و اضمحلات منحصره بنظر سیر صدام شهر طاعت اینها میگویند که در لیستان توطئه ای بر علیه سوسیالیسم در این کشور برپا داشته اند است و با سوسیالیستها دهان زبانه های اشکالات کار را سدا اینجا کشیده است. گفتیم مسخره است چرا که واقعیت این است که طبقه کارگر لیستان نیروی اصلی این توطئه "خنگارگری" و ضد سوسیالیستی است و بنا بر این همبستگی کوچک تمام سوسیالیستها را با سکو دومی شود و به هوا میبرد. اما مسئله تئوریکات فیس سوریب پیچیده تر از این است و درست در همین رابطه است که یک مسئله جدی برای انقلابیون و بخصوص پیشروان نهضت کارگری مسطورج میزوره که ما در این سطور به بحث بپردازیم آن خواهم بود اخت. همزمان با روی کار آمدن حکومت نظامی در لیستان، غرب یک موج تسلیماتی در اقصای کمونیسم برپا دادند. خنده است. سرمایه داری غرب با استفاده از نظامی و اضمحلات سوسیالیستی با لیسم میگردانند کارزار را به نفع یک ضد کمونیستی خود را همراه اندازد و طبقه کارگر را در صراطیها ن به مبارزه با کمونیسم و سوسیالیسم دستگیر میگردانند. در این میان به جای یک مکتب شکست خورده سوریب دهه ۱۰ اخیرا جمله: تا بمجاوب آمریکا در اولین شماره "سوسیالیسم" ۱۹۸۲ خود در یک مقاله ۹ صفحه ای تعرض ضد کمونیستی خود را نسبت استفاده از تاریخ لیستان. خنده کردید و میگویند است. تا تا بسجت کند که:

"لیستان در یکسال و نیم گذشته، جها ضیان بیسیک درسی آموخته است... و آن اینست که کمونیسم به عنوان یک وسیله مبارزه با دین، اقتصاد، دولت، عین رفیقا اعضای یک جامعه شکست خورده است."

دوسرا سر این مقاله را استناد به آنچه امروز سوسیالیست امپریالیسم در جهان انجام میدهد. تلاش شده است تا جمله "سوریب را با شواهد و مدارک اثبات کنند و نگذارند در آستان است که آنچه مورد استناد قرار گرفته کمونیسم و رهبران لیست است بلکه ضد کمونیسم و سرمایه داری دولتی نوع روسی است. و آنچه که این مقاله نسبتا تمایز از بین جریان "سوسیالیستیک" و "سوسیالیسم" را گامی است. تئوریکاتی غریب و مضورگانی توسط تعدادی نیروهای ضد کمونیست در جهان در پیچیده دهه ۱۰ برای لیستان (پیشگفته سیرج) تدبیر کردن ها را بیج شده است البته لازم است تا به این مسئله در جایی مانع رسیدگی کنیم و نشان دهیم که چرا آنچه گفته در لیستان میگذرد نه ناشی از کمونیسم بلکه ناشی از همسایگان سرمایه داری است که غرب میگردانند برای آن توجه بخوانید.

اما در اینجا سخن ما در این باره نیست. سخن همسایگان انقلابیونی است که در جامعه ما و بخصوص در میان طبقه کارگر اندیشه "سوسیالیستی" بودن ثوروی واقعات را تبلیغ میکنند. سخن با کسانی از قبیل صاهدین خلق و گروه های انقلابیست. فدائیان و "راه کارگر" و دیگران است که میبایست مواضعی سیاسی ثنوریک را بدو ثنوریک خود در واقع نه تئوریک و بیان طبقه کارگر به هرمانا تا امپریالیستی و بسته به سکو و بیروانش میباید بلکه به این سرشبه و با شواهد کارزار را بدو ثنوریک امپریالیسم در واقع در آستان است که تئوریکات غریب نیز

محمور شویم یا زهم تعرض کنیم... (اطلاعات دهنگی ۶ آستان). اخیرا نیز مواذکریبی در مجلس پس از اذاره به استکه پیشنهاد شد: غلای اسکنا بر امانه شده میگوید: "در رابطه با نیارهای دولت سه تا مین امتزارات حدود ۱۲ میلیار رو هشتصد میلیار ریال اسکنا بر اذاریا دولت قرار گرفته" (اطلاعات ۹ آذر). ورود امین صم اسکنا بر در گردش بدون افزایش تولید و بسا واردات سخت به ثورمدا مین میزند که سودش به جیب عده ای گردن کلفتیبت دلائل و واردات بی ضرورت و فشارش نصیب مزدبکاران و زحمتکشان میگردد. رهنمودهای اخیر خپنی و مقامات مملکتی به مسردم برای سپردن پولیایا بیای به با سکا خود نشا نگر نهیدستی دولت میباشد.

اسکنا بر دیگر کارهاش از در همسایگری اخیر ثورایا نالی اغتصاد خود را مینمایاند که طبق آن خروج ارز بر مبنای ضرورتها با بد صورت گیرد. بدین مفیوم که برای کالاهای "غیر ضروری" گشایش اعتبار رسمی شما بند که این مسئله به کمبود کالاهای غیرستیه از دنیا دستور و هشی در صورت ادامه قحطی منجر خواهد شد تمام اکنون نیز طلاهای امین وضع بهبودی استن تعدادی از کت رانجات و بییکا رنمودن کارگران نشان داد است. شواهد و قرا این برآ شده که بحران اقتصادی که هم اکنون گریبان خامه سا را گرفته است رو به وخامت میروند و نوده مردم و کارگران بیکار هده که در این گرانای قیامتها از حقوق نا چیز خود نیز محن سیروم میخورند در تنگنای جدیدتری قرار خواهند گرفت. و به نظر نیست سیر سده که حکومت بتواند خود را از این ورطه نجات دهد چرا که به با وجود وضع قحطی با زار رفتی جهان و بحران اقتصادی غریب شما بیدانتلا رداشت که خریداران زیادی برای نفت ایران میدی که میتواند اقتصاد ایران را از این گرداب نجات بخشد و وجود داشته باشد از طرف دیگر نیز بلوک شرق خود را بحران و جنگناهاست به خوبی که قسمت اعظم واردات ایران شامل مواد غذایی و مواد اولیه کارخانجات است (در سال ۵۹ حدود ۸۰ میلیار دلار) که بلوک شرق نمیتواند از طریق ممان مسلمات شما ثری به سخوی این نیارها باشد. چرا که از یک سو مواد غذایی در بلوک نیز کمیا است چه رسد به اینکه به ایران بیا در کنند و از سوی دیگر نیز از آنجا شیکه قلب کارخانجات ایران وابسته به کشورهای غربی هستند اکثر مواد اولیه آنان نیز بیدار آنجا تا مین گردند.

بنابراین دورنمای وضع اقتصادی ایران شدیدتر خواهد بود و سیر آن به طرف قحطی و کمبود شدید کالاهای اساسی سرمایه داری و ثورم خواهد بود که با توجه به جو حفاقن و استناد شما می نزدی تسلور خود را در انجا رتوده های مردم نشان خواهد داد. دور نیست روزی که توده های رنجسرا ایران و در مزارشان طبقه سده کارگر قهرمان، که چند سال پیش به پای آزادی و استقلال ایران جوسها دادند بدو ساره سبب غیزند و انتقام خویش را از شما شین به این آرمان مقدس با زبس گیرند و چه سخت خواهد بود انتقام غلوس. والسلام

